

وضع قضا و محاکم در افغانستان

نوشته شده توسط تورنجنرال محمد آصف الم

بخش چهارم

قضاً

در عسکری:

درین جای شک نیست که دولت های شاهی افغانستان دولت هایی نبودند که از جامعه برخاسته باشند، بلکه به نحوی از انحا بر جامعه ماتحمیل گردیده، مردم ستمدیده افغانستان را به شیوه ماکیاولیستی اداره کرده، برای حفظ قدرت خویش و حل تضاد های جامعه و جهت سرکوب مخالفان با شیدای وحیله گریهای مستمر از هرگونه افزاری استفاده کرده اند. باید گفت که چنین دولتها، قوانینی را وضع کرده اند که حق امتیازی را برای طبقه خود شان حمایت کرده به آنها اجازه هرکاری را بدهد که سایرین و یا بقیه افراد ملت اجازه انجام آنرا نداشته باشند و به اساس آن تمام پایه های دولت خویش را اعمار و مؤسسات دولتی را به خدمت خویشان گرفته اند.

قضا ی عسکری که یکی از مؤسسات مهم دولت به حساب می آمد نیز بر روالی تاسیس و تشکیل گردیده بود تا با استفاده از قوانین ارتجاعی، اطاعت کور کورانه قوای مسلح رادر پیشگاه دربار و در رأس شاه قبیله سالار، حمایت و حفظ بدارد. ازینرو قضاً در عسکری نیز در طول تاریخ یکی از شعبات تحت امر حکومتها بود و در رسیدگی به قضایا استقلالی از خود نداشت. گرچه تصمیم بر آن بود تا برای وضاحت و معرفی بیشتر قضا در عسکری تاریخچه آن به خوانندگان ارائه گردد ولی با تأسف با تمام تلاش و مساعی بی که به خرج داده شد اثری به دست آمده نتوانست تا در باره موضوع مورد بحث چکیده بی از قلم بدستان کشور در آن درج باشد. همچنان دوری از کشور و زندگی در غربت نیز مانع بزرگی بر سر راه جستجو درین عرصه قرار گرفت. بناً معلوماتی که درین باره ارائه میگردد از زمانی شروع می شود که شخصاً به حیث کارمند قضا (قاضی) در ریاست محاکمات وزارت دفاع آغاز به کار نموده بودم:

مهمترین قوانینی که در پروسه حقوقی و قضائی در عرصه نظامی فعال و مورد نظر بیشتر قرار داشت دواصولنامه بود به نامهای اصولنامه محاکمات عسکری و اصولنامه جزای عسکری که در صفحه اول یا مقوی آنها تاریخ طبع و تعداد طبع دوم آن درج گردیده بود:

تاریخ طبع اصولنامه محاکمات عسکری ماه دلو ۱۳۳۰

تعداد طبع ثانی: (۲۲۰۰) جلد

تاریخ طبع اصولنامه جزای عسکری ماه حمل ۱۳۳۰

تعداد طبع (۲۲۰۰) جلد وانمود گردیده بود.

و اما درین اصولنامه ها تذکر نیافته بود که از جانب کدام مرجع قانون گذاری به تصویب رسیده اند. به هر حال بر طبق احکام همین اصولنامه های فعال ساحه عسکری یک پروسه حقوقی و قضائی از شروع تا انجام به دست کسانی اجرا میگردد که نه قانوندان بودند و نه از قانونگذاری اطلاعی داشتند و هر حادثه و واقعه بی در فضای زور، تهدید و سوء استفاده های ناجایز در مسیری جریان می یافت و به صورت نا متعادل؛ غیر عادلانه و توأم با بی رحمی و قساوت به انجام میرسید. به مجرد حدوث حادثه بی، نزدیکترین آمر عسکری هیئتی مشتمل از سه نفر منسوبین قوای مسلح که هیچکدام دارای تحصیل بخصوص حقوقی نبود و از قانون دست داشته حتی و قوفیتی نمی داشتند، به حیث هیئت تحقیق موضوع تعیین و مکلف ساخته میشدند تا در مورد تحقیقات ابتدائیه را انجام میدادند و از اجراءات خویش به آمری که آنها را به تحقیق موضوع مکلف ساخته بود، راپور داده تحقیقات خود را با نتیجه و نظریه خویش از پروسه تحقیقات به او تقدیم میکردند. آمر تحقیقات که خود نیز درین مسلک و رشته دارای آگاهی و کفایتی نمی بود که نبود، طور دلخواه در باره تحقیقات ابتدائیه تصمیم اتخاذ مینمود؛ اگر به زعم او تحقیقات

مبرا از نواقص ميبود آنرا بعد از تصديق و امضاً خویش به ديوان حرب (محكمه) مربوطه تقديم ميکرد و در غير آن ميتوانست دوباره آنرا به هیأت تحقیق مسترد کند و یا به هیأت تحقیق جدیدی تفویض بدارد.